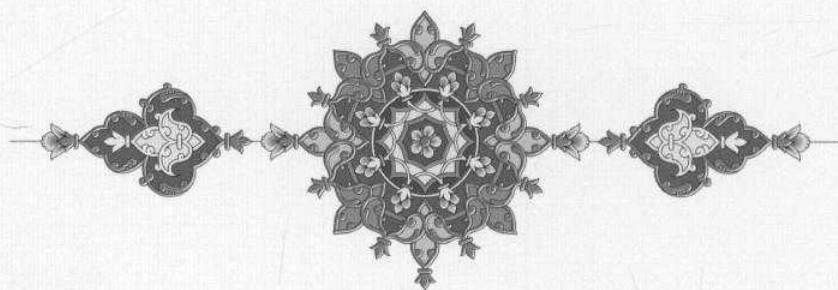


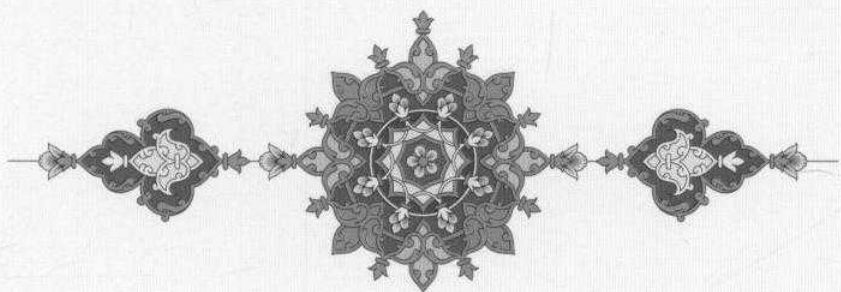
فرمان نامه حضرت

(ع)

بهاک اسیر

www.ketab.ir





آشادات پارس

سرشناسه: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت، ۴۰ ق. / عنوان
قراردادی: نجاشی، فرمان مالک اشتر، فارسی - عربی / عنوان و نام پدیدآور:
فرمان نامه حضرت (ع) / مالک اشتر نخعی - ترجمه جواد فاضل / مشخصات نشر:
تهران: پاریس، ۱۳۹۲ / مشخصات کتاب: ۵۲ ص.؛ مصور (رنگی)؛ ۲۲ × ۲۹ س. م. /
شابک: ۷-۶۴-۶۰۶۰۰-۶۷۸ / وضعیت فهرست نویسی: فیسب / موضوع: علی بن
ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت، ۴۰ ق. / مرجع: بایگ - سیاست و حکومت
/ موضوع: اسلام و دولت / شناسه افزوده: فاضل، جواد / ۱۳۹۲-۱۳۹۰ / مترجم: شناسه
افزوده: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت، ۴۰ ق. / منبع: بایگ
فرمان مالک اشتر / رده بندی لنگره: ۲۲۱۳۹۲ / ف ۳۸ / ۰۴۲ / BP / رده بندی دیویی:
۳۱۶۵۵۶۱ / ۲۹۷ / ۹۵۱۵ / شماره کتاب شناسی ملی: ۳۱۶۵۵۶۱

فرمان نامه حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام مالک اشتر نخعی

ناشر: پارس

ترجمه: جواد فاضل مقدمه: مهدی افشار

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

مدرس: محمد رضا حسرور، مسرید حسرور

خوشنویس متن: رضا مکیان منیا تور: رضا بدرالسماء

طرح جلد: احمد آقاقلی زاده صفحه آرایی: حامد حاشی مقدم

ناظر چاپ: سید مهدی کمالی

لیتوگرافی: توس چاپ: منبع چاپ نام: منش

آدرس: تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، نبش وحید ترن، پلاک ۱۰۴، واحد ۴

تلفن: ۶۶۴۹۷۱۲۴ - ۶۶۴۹۶۹۲۵ - ۶۶۴۰۷۹۵۵ دورنگار: ۶۶۴۶۵۱۰۶

مقدمه

در شرفای قلب هیرانی تجی آنانی که ایمانی استوار و اعتقادی پربیندند از مذابورهای جنسی رانگی می کنند
نوری شسته است که قلب آنان را صفایی دیگر می بخشد و ذنشان را جلایی دیگر؛ نوری که از منبع وصل
جدا شده و بر قلب آراسانی تابیدن گرفت که لمعی از لمعات الهی را دریافته است و آن نور، نور علی است
چهره گفتم و آن نور، خود علی است؛ چه علی از جنس نور است.

علی در نگاه حس ایرانی نماد مردی است که شرافت آزادی است چه نیکبخت اند آن مردمانی که الگویی واسوه
دارند چون علی؛ بطوره گونه که مردی را با توبه و اومی بخشد و شرافت را با میزان او.

سوگند راستشان به «علی» است بازوی قوت و قدرتشان به «علی» است؛ نماد وفاداریشان «علی»
است و تصورشان از شجاعت همان تصویری است که از علی دارند. راست گوئی و دست پنداری را با توبه
میزان علی می بخشد و شجاعت و دلادوری را با مقیاس علی می یارند و در کار و زندگی با میان می آید
و خصم شکران و ظالم.

همان ناباوران؛ وستی سخن از علی «میان است او را» «همای رحمت» می دانند و «آیتی از خداوند»؛ آیتی که
شکوه و جبروت بارگاه الهی را به نمایش می گذارد جسم آن ست باوران هم این ستوار دینان در نقطه
به یکدگر می رسند و منوید و پشتیبان یکدیگر می شوند و آن نقطه حضور پر تلاو علی است. هر دوی ایشان اند که می گویند

« به علی شناختم من خدا قسم خدا را »

آنان - هر دوی ایشان - علی را صاحب حتمی دانند که آتش و زخ را سرد می گرداند و تزلزل و اضطراب نجات
و نجات می شناسند و زیر لب می ستایند آن بزرگ مردی را که « کعبه تولد یافت در مسجد شهادت ، هم او که به
فرزند خویش گفت که « ضارب قاتل مرجع سیرتوست با سیر کن مدارا » هم او است که پسری « بوالعجب »
در دام خورشید می پرورد که در کربلا شکوه مردانگی و بخت آزادی را به نمایش می گذارد ، هم او که نگین پادشاهی
را به کلامی بخشد .

آری ایرانیان هم ایرانیان از هرزه ها یعنی علی را می ستایند ، علی را الگو و سوه خویش می شناسند و رفقا علی
گویند و رفقای انسانی حق شناسان و ضد آن را غیر انسانی و غیر اخلاقی می شناسند .
شیفته ایرانیان نسبت به حضرت علی تنها و تیره نیست ، بجا بران نیست که ستیان ایرانی نیز او را در میان جنگهای
راشیدین جایگاه والای و برتر قرار می دهند ، آنان نیز او را می ستایند و بزرگ می دارند ، آنان نیز نیک و قند
که نخستین کسی که پیام رسول را پذیرا شد و با جان و دل در طریق پیامبر مقرر قدم برداشت ، علی بود ، آنان
می دانند که نخستین کسی که پشت حضرتش نماز گذارد ، علی بود .

آنان می دانند آن که در بستر پیامبر آمد تا حضرتش را تیغ دشمنان در بدن کافران سیاه اندیش بجزید ، علی بود .
آنان می دانند آن که همسر محبوبه بن دخت پیامبر بود ، علی بود ، آنان می دانند آن که در نبرد خندق ، پیروزی

را برای پناه اسلام به رمغان آورد، علی بود و در همین غمزه بود که پهلوان یهود پس از آن که از شتر
 نشت خورد، بر چهره او «تقو» انداخت و حضرت در آن لحظه از شترش دست تامل و از سرخشم و حسد
 انسانی و نه حق جویی دست بقل شتر اسلام زده باشد. آنان می دانند آن که بازوی توانمند پیامبر بود
 علی بود، آنان می اندیشند علی منزه و مفصل است تا آنجا که پیامبر اکرم می فرمایند: «أَمَّا يَسْمُ الْعِلْمُ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا».
 آنان می اند...

و باین گاهی ما ست که هم ای ایام نیک باور دارند وقتی پیامبر اکرم در حبه الوداع در غدیر خم بازوی
 را در دست گرفت و به نریاد گفت: «مَنْ كُنْتُ مُوَلَّاهُ فَهُوَ ذَا عَلِيٍّ مُوَلَّاهُ»
 اراده کرده بود که علی را جانشین خود گرداند، چه می دانست که از این حج آن حضرت است و جانشینی برتر و
 گرامی تر و عادل تر از علی برای او و جهان اسلام نیست بشکفا که عتقا بر این علی محدود به مسلمانان شیعه
 نمی شود که دیگر اقلیت مایه نبی نیز علی را گرامی می دارند کدام میسر ایرانی است که حتی می خواهد دست
 اقدامی جو را نه بزند نام علی را بر زبان نیاورد و از او مد و تجوید؟
 آن چه گفته شد تنها شعاعی بود از پر تو درخشان که به وجودی علی و بسیار فضایل بسیار و ترکی مای فراوانی
 است که در باب حضرتش گفته شده در یابی می طلبد تا سرگشت تر کند و در صفات الای علی را ورق زنند
 اما برجسته ترین و شاخص ترین ویژگی آن حضرت، عدالت است.

عدل علی، میزانی و معیاری است بے ای ہر انسان آزادی تبار اساس عدالت و داور کی کنبد
 ہمہ دوست داران و برد عوامی آن حضرت با آن یهودی بر سر زینی کہ یهودی از حضرتش بر سر قتبہ دہ بود، و ا
 کہ چون خلیفہ مسلمین ہاشم بہ نزد قاضی رفت۔ تصورش را کہ بنید این خلیفہ امپراتوری عظیم اسلامی از مصر تا روم آ
 کہ خود برای احقاق حقش ہمراہ شہسہ بہ نزد قاضی می رود۔ وقتی قاضی علی را حرمت می گزارد و بہ یهودی
 بن استنابی می کند، علی قاضی را خطاب کر می ہد کہ «تو از غارتہم را محکوم کردہ ای چگونہ ممکن است
 عدالت دوری کنی؟» و آن گاہ داد گاہ را با آزر دگی ترک می گوید۔

از فضیل علی ہر گچہ پست شد و ان کی از بسیاری گفتمہ شدہ، اما حتی اگر فقط اگر حسین یک نامہ حضرتش با لکت اثر
 از آن اسطورہ باقی می ماند، می شد دریافت کہ کیست و چگونہ طریق عدالتی و چگونہ طریق سعادت را بہ
 انسان و انسانیت آموخت۔

چگونہ در حکومت را بہ حاکمان فراداد۔ او مرد سیاست بود۔ عدالت بود و این نامہ بہ واقع دستور العملی
 است ہمہ حکمرانان را کہ بہ انسانیت و عدالت آموخت۔
 اینک این نامہ را بخوانید تا خود داور کی کنید۔